

إصدارات أنصار الإمام المهدي ع / العدد (١١١)

انتشارات انصار امام مهدي ع

رسالة في فقه الخمس

وما يلحق به

رساله‌ای در فقه خمس

به انضمام ملحقات آن

إعداد
الشيخ علاء السالم

گردآوری و تنظیم
شیخ علاء سالم
مترجم
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدي ع

الطبعة الأولى / ١٤٣١

رساله‌ای در فقه خمس
احمدالحسن ع
علا سالم
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی ع
اوّل
۱۳۹۶
۱/۱۱۲
اوّل

نام کتاب
نویسنده
گردآوری و تنظیم
مترجم
نوبت انتشار
تاریخ انتشار
کد کتاب
ویرایش ترجمه

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک
سید احمدالحسن ع به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co/ir
www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفهرس

فهرست

تقديم

فهرسة البحث (فقه الخمس وما يتعلق به)

(فهرست فقه خمس و ضميمه‌هاى آن)

الفصل الأول: في ما يجب فيه وهو سبعة:

فصل اول: در آنچه كه خمس بر آن واجب است

وآن هفت بخش است:

..... النقطة الأولى : في وجوب الخمس
اول: در واجب بودن خمس.

..... النقطة الثانية : في الأمور التي يجب فيه الخمس
دوم: در آنچه خمسش واجب است.

الأول: الغنائم

اول: غنائم

الثاني: المعادن

دوم: معادن

الثالث: الكنوز

سوم: گنج‌ها

الرابع: كل ما يخرج من البحر بالغوص

چهارم: هر آنچه از دريا با غواصي خارج می‌شود.

الخامس: الأرض التي اشتراها الذمي من المسلم

پنجم: زمینی که اهل ذمه (1) از مسلمان خریده است.

السادس: الحلال المختلط بالحرام

ششم: حلال مخلوط شده با حرام

السابع: ما يفضل عن مؤونة السنة وما يلحق به

هفتم: آنچه از هزینه سالانه اضافه آید، و آنچه به آن ضمیمه می‌شود.

ما يفضل عن مؤونة السنة

أولاً: تشريع الخمس في ما زاد على مؤونة السنة

محور اول: تشريع خمس در آنچه از خرجی سال اضافه آمده است.

ثانياً: تحديد رأس السنة الخمسية

محور دوم: مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمسی

ثالثاً: الخمس يكون في الفائض عن الحاجة

سوم: خمس در مقدار افزون بر نیاز است.

رابعاً: تخميس مصدر الرزق (محل، شركة .. وما شابه)

چهارم: پرداخت خمس منبع درآمد (مغازه، شرکت ... و نظایر آن)

خامساً: تعدد مصدر الرزق

پنجم: تعدد منبع درآمد

سادساً: رواتب الموظفين

ششم: حقوق کارمندان

سابعاً: المال المجموع لغرض الزواج أو الحج أو شراء دار سكنية

هفتم: پول پس‌انداز شده برای ازدواج، حج یا خرید مسکن

ثامناً: خمس ما ليس تحت اليد، والضائقة المالية

1- (ذمّ) [ع.] غیرمسلمانی که به علت پرداخت جزیه، جان و مالش در پناه اسلام است. (فرهنگ فارسی معین)، (مترجم).

هشتم: خمس آنچه در اختیار نباشد، و مضيقه و تنگنای مالی
تاسعاً: أموال الأطفال
نهم: اموال کودکان

الفصل الثاني: في قسمته

محور سوم: در تقسیم خمس

..... النقطة الثالثة : في قسمة الخمس
سوم: در تقسیم خمس.

..... في إخراج الخمس وتسليمه

خارج کردن خمس و تحویل آن

..... النقطة الرابعة : في الأنفال
چهارم: در أنفال.

..... النقطة الخامسة : في صلة الإمام
پنجم: در صلة امام.

..... ملحق (1) / نص الخمس من الشرائع
متن کتاب خمس از کتاب احکام نورانی اسلام

..... ملحق (2) / أسئلة متفرقة في الخمس
پرسش‌های متفرقه درباره خمس

..... ملحق (3) / صلة الإمام
صلة امام ع

نصيحة الرسالة:

اندرز این رساله

قال السيد أحمد الحسن ع : (وفقك الله هناك مسائل حول الخمس في كتاب الجواب المنير وغيره من الكتب مثل الشرائع، إذا أمكن أن تجمعها وتكتب كتاباً فيه تفصيل الخمس بصورة مبسطة يمكن أن يعمل بموجبه إخوتكم، وإذا كانت هناك أمور مبهمة يمكنك السؤال عنها).

سید احمد الحسن ع می فرماید: (خداوند توفیقت دهد! مسائلی دربارهٔ خمس در کتاب پاسخهای روشنگر و دیگر کتب مثل شرایع- وجود دارند؛ اگر ممکن است آنها را گردآوری کنی و کتابی در این باب بنویس که در آن توضیح و جریات خمس به صورت مفصل باشد تا برادران و خواهران شما به مقتضای آن عمل کنند و اگر موارد مبهمی وجود داشت می توانی از آنها سؤال کنی).

* * *

محمد بن زید الطبري، قال: كتب رجل من تجار فارس من بعض موالی أبي الحسن الرضا ع يسأله الإذن في الخمس، فكتب إليه:

(بسم الله الرحمن الرحيم، إن الله واسع كريم، ضمن على العمل الثواب وعلى الضيق الهم، لا يخل مال إلا من وجه أحله الله وإن الخمس عوننا على ديننا وعلى عيالاتنا وعلى موالينا، وما نبذله ونشتري من أعراضنا ممن نخاف سطوته، فلا تزوه عنا ولا تحرموا أنفسكم دعاءنا ما قدرتم عليه، فإن إخراجة مفتاح رزقكم وتمحيص ذنوبكم، وما تمهدون لأنفسكم ليوم فاقتكم والمسلم من يفي لله بما عهد إليه وليس المسلم من أجاب باللسان وخالف بالقلب، والسلام) الكافي: ج 1 ص 547 ح 25.

محمد بن زید طبری می گوید: مردی از بازرگانان فارس که از پیروان امام ابوالحسن رضا ع بود به آن حضرت نامه‌ای نوشت و دربارهٔ خمس اجازه خواست. ایشان در پاسخ او نوشتند:

(بسم الله الرحمن الرحيم. به راستی خداوند، وسعت دهنده و کریم است. در عمل و کار، ضامن ثواب است و در مضیقه بودن و تنگنا، ضامن غم و اندوه. هیچ مالی حلال نیست جز از راهی که خدا آنرا حلال کرده و خمس موجب کمک به ما است بر دین ما، و کمک بر عیالات ما، پیروان ما و آنچه می‌بخشیم و آبرویی که می‌خریم از کسانی که از قهر و زورش می‌ترسیم؛ پس آن را از ما دریغ ندارید و تا می‌توانید خود را از دعای ما محروم نسازید. به راستی که دادن خمس کلید روزی شما و مایهٔ پاک شدن گناهان شما و چیزی است که برای روز تنگدستی و بینوایی خود آماده می‌کنید. مسلمان کسی است که به عهدی که خدا با او کرده است وفا کند. مسلمان آن نیست که زبان بپذیرد و با دل مخالفت کند. و السلام). (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَنْمَةَ وَالْمُهْدِيِّينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و بار الها! سلام و صلوات تامّ خود را بر محمد و آل محمد، امامان و مهدیین، ارزانی فرما!

تقديم:

پیش گفتار

قال تعالى: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)، والآية تشير فيما تشير إليه إلى وجوب الخمس كما عن آل محمد صلوات الله عليهم أجمعين.

حق تعالی می فرماید: ((از اموال آنها صدقه ای بستان تا آنها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آنها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنها است، و خداوند شنوا و دانا است)؛ (۳).
این آیه با توجه به روایاتی که از آل محمد -صلوات خدا بر همه آنها باد- روایت شده اشاره ای در آنچه اشاره به وجوب خمس دارد آمده است.

وقبل كل شيء أترك الكلام لقائم آل محمد السيد أحمد الحسن وهو يتحدث عن بعض ما يرتبط بوجوب الخمس وصاحبه وحكمته وموقعيته في الاقتصاد الإسلامي، حيث كنت قد سألته يوماً فقلت: هل وضع رأس السنة الخمسية واجب مطلقاً سواء علم المكلف بزيادة شيء على مؤنته السنوية أم لا؟

پیش از هر چیز، عرصه سخن را برای قائم آل محمد، سید احمد الحسن ع خالی می گذارم؛ آنجا که ایشان از برخی امور مرتبط با وجوب خمس، صاحب و حکمت آن و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی سخن می گوید. روزی از ایشان سؤال کردم: آیا مقرر کردن سرآغاز سال خمسی به طور کلی واجب است؟ چه مکلف بداند از مخارج سالش چیزی اضافه می آید و چه نداند؟

فقال ع: (الخميس يوم بيوم وفقك الله، فالمؤمن يحاسب نفسه كل يوم، ولأن هذا الأمر يشقّ على الناس، ولأنهم اعتادوا أن يراجعوا ويدققوا حساباتهم أفراداً

ومؤسسات وشركات سنوياً قلنا كل سنة، فلا بد أن يحاسب المؤمن نفسه في مدة أقصاها سنة، أي أنه يحاسب نفسه كل سنة مرة، ولكن ليس له أن يجعل المدة أبعد من هذا.

ایشان ع فرمودند: (خداوند توفیقت دهد! خمس، روزانه است. مؤمن خود را هر روز مورد محاسبه قرار می دهد اما چون این کار برای مردم مشقت آور است و آنها نیز عادت پیدا کرده اند که حساب های شخصی، مؤسسات و شرکت ها را به صورت سالانه بررسی کنند ما گفتیم سالیانه باشد. پس مؤمن باید در مدتی که حداکثر یک سال است خود را محاسبه کند؛ یعنی او هر سال یک مرتبه خود را مورد محاسبه قرار می دهد، اما جایز نیست مدت را بیش از این قرار دهد.

وأعلم أنّ الخمس للإمام، فله أن يسقطه في زمن ويوجبه في آخر، وله أن يجعل مدة لمحاسبة المؤمن نفسه مالياً فيجعلها الإمام بدل المحاسبة اليومية شهرية أو فصلية أو سنوية كما هو الآن .. الخ.

بدان که خمس برای امام است، پس می تواند آنرا در زمانی ساقط و در زمانی دیگر واجب گرداند و می تواند مدتی را تعیین کند که مؤمن خود را در آن مورد محاسبه مالی قرار دهد و به جای محاسبه روزانه، آنرا به صورت ماهانه، فصلی، سالانه همانطور که در حال حاضر اینگونه است- و یا به شکل دیگری قرار دهد.

والخمس فيه حكم، منها: إن الإمام إن شاء الله له أن يحكم فإنه يقيم به شؤون الناس العامة واحتياجاتهم وخصوصاً الفقراء منهم، فبالخمس يتمكن الإمام أن يواسي بين الناس، فيدفع عن الفقراء العوز والحاجة ويحقق العدل بين الناس (مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) الحشر: ٧.

در خمس حکمت هایی (نهفته) است از جمله: اگر خدا بخواهد امام حکومت کند، با آن امور عامه مردم و احتیاجات آنها خصوصاً فقیران شان را اداره می کند. با خمس است که امام می تواند بین مردم، مساوات برقرار و در نتیجه فقر و نیازمندی را از فقرا دفع و عدالت را بین مردم محقق کند: ((آنچه خداوند از مردم قریه ها نصیب فرستاده اش کرده است از آن خدا است و از آن پیامبر و خویشاوندان، و از آن یتیمان و مسکینان و در راهماندگان است، تا میان توانگران دست به دست نشود. هر چه فرستاده به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است)) (۴).

والآن، إذا تستقرئ أنظمة الدول الاقتصادية تجدها تفرض ضريبة وهي تقريباً بقدر الخمس في كثير من الدول، والضريبة لا أجر فيها ولا ثواب لمن يدفعها، فالذين يكفرون بخليفة الله في أرضه والذين يؤمنون بحاكمية الناس يدفعون رغم أنوفهم؛ لأنّ الدول والحكومات تجبرهم على دفع الخمس تحت عنوان الضريبة ولكنهم يدفعون أموالهم ثم تكون حسرة عليهم؛ لأنهم دفعوها لإقامة حاكمية الناس على الأرض (إنّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ) الأنفال: ۳۶.

حال اگر سیستم اقتصادی کشورها را بررسی کنید خواهید دید مالیاتی را مقرر می کنند که در بیشتر کشورها تقریباً به اندازه خمس است. در مالیات اجر و پاداشی وجود ندارد و کسی که آن را پرداخت می کند ثوابی ندارد. این کسانی که به خلیفه خدا بر روی زمین کافر هستند و کسانی که به حاکمیت مردم ایمان دارند آن (مالیات) را با اکراه و علیرغم میلشان پرداخت می کنند؛ زیرا دولت ها و حکومت ها آنها را وادار به پرداخت خمس -تحت عنوان مالیات- می کنند، اما آنها اموال خود را پرداخت می کنند و سپس حسرتی برای آنها خواهد بود، چرا که آنرا برای برپایی حاکمیت مردم بر روی زمین پرداخت کرده اند: ((کسانی که کفر ورزیدند به راستی که اموالشان را مصرف می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند. پس اینها اموالشان را مصرف خواهند کرد و سپس حسرتی برایشان خواهد بود، سپس مغلوب میشوند؛ و کافران به سوی جهنم گرد آورده می شوند))؛(۵).

بينما الله ومن رحمته فرض على المؤمنين أن يدفعوا هذه الأموال نفسها - أي الخمس - وفي نفس الوقت يثيبهم على دفعها ويطهرهم بدفعها (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) التوبة: ۱۰۳.

در حالیکه خداوند از سر رحمتش بر مؤمنان واجب کرده که همین اموال -یعنی خمس- را پردازند و در عین حال برای پرداختش به آنها ثواب می دهد و آنها را پاک می گرداند: ((از اموال آنها صدقه ای بستان تا آنها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آنها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنها است، و خداوند شنوا و دانا است))؛(۶).

الإنسان بإمكانه أن يجعل كل حياته على هذه الأرض عبارة عن طاعة، ويمكنه أن يجعل كل حياته على هذه الأرض عبارة عن معصية، الفرق فقط أن يتبع خليفة الله أو أن يعرض عنه ويلتوي عليه.

انسان می تواند همه زندگی خود بر روی این زمین را در طاعت قرار دهد و می تواند همه زندگی خود بر روی این زمین را در معصیت قرار دهد، تفاوت این دو فقط در این است که از خلیفه و جانشین خدا پیروی کند یا از وی روی گرداند و سرپیچی نماید.

۱- انفال: ۳۶.

۲- توبه: ۱۰۳.

وأعلم سددك الله أن الخمس مهم جداً في إقامة الاقتصاد الإسلامي العادل، فالإسلام لا يؤمن بال رأسمالية أو الاشتراكية بل يجعل خمس الاقتصاد بيد شخص مقطوع بأنه زاهد عادل حكيم في التصرف، وبهذا:-

بدان - خداوند أستوارت بدارد- خمس در برپایی اقتصاد اسلامی عادلانه بسیار اهمیت دارد. اسلام به نظام سرمایه داری یا سوسیالیستی اعتقادی ندارد، بلکه خمس، اقتصاد را در دست شخصی قرار می دهد که مطمئناً زاهد، عادل و در اجرایی ساختن آن حکیم است و با این کار:

يضمن في الاقتصاد الإسلامي المواساة بين المؤمنين وبين بلاد المؤمنين فلا يكون هناك بلد إسلامي متخم وآخر يئن أهله من وطأة الفقر والحاجة، وبهذا تصلح أمور الفقراء والأيتام والأرامل المالية، ولا يبقى جانع أو عاري أو شخص يعيش في العراء، وهذا ينعكس إيجاباً على الحالة الاجتماعية للمجتمع المسلم، فالتخمة والفقر كلاهما له أثر اجتماعي سلبي أقل ما فيه أنه قد يؤدي إلى تدني الأخلاق الكريمة كالكرم والمواساة والإيثار وبروز أخلاق لئيمة كالفساد الجنسي والحرص الخ.

مواسات و همدردی میان مؤمنان و میان سرزمین های مؤمنان در اقتصاد اسلامی تضمین می شود؛ پس دیگر سرزمین اسلامی وجود نخواهد داشت که در کمال پرخوری و رفاه باشد در حالی که سرزمینی دیگر وجود داشته باشد، مردمانش از شدت فقر و نیاز آه بکشند و با این کار امور مالی فقراء، ایتام و بیوه ها اصلاح می شود و دیگر گرسنه و برهنه یا کسیکه بی سرپناه باشد باقی نخواهد ماند و این وضعیت بازتاب مثبتی بر وضع اجتماعی جامعه مسلمان خواهد داشت. پرخوری و فقر، هر دو دارای اثرات اجتماعی منفی هستند. دست کم موجب کاهش اخلاق بزرگ منشانه مثل کرم، همدردی و ایثار- و بروز اخلاق پست و زشت مانند فساد جنسی و بخل و دیگر موارد- می شود.

ولن يبقى المتخم يرتاح لتختمه وبتختمه وهو يرى أنّ هناك فقيراً أو محتاجاً بعد أن يرى هو والمجتمع ككل أنّ هناك شخصاً هو خليفة الله في أرضه ينفق أمواله وهي خمس الأموال لمصلحة عامة الناس وإعالة المحتاجين، وبهذا يكون خليفة الله بإنفاقه أموال الخمس قدوة - بزهد وابتعاده عن زخرف الدنيا رغم امتلاكه لها - يذكر كل متخم ويجعله يحس بالنقص والقصور والصغر وهو ينعفس في زخرف الدنيا ويعيش حياة الترف في حين أنّ هناك فقيراً ومحتاجاً يعاني شظف العيش. وهذا مهم جداً لإصلاح الناس اقتصادياً كبديل عن القدوة السيئة في المجتمع الإنساني كما هو اليوم - وكما كان دائماً في دولة الطاغوت - الثري المترف الذي يحرص على جمع الأموال - بكل صورة وبلا حدود - ليحقق بها رغباته الشخصية، وبالتالي يكون المجتمع بفقرائه وأغنيائه وللأسف مثله كمثل كلاب تتهارش على جيفة يتخم منها القوي ويجر الضعيف ذيله حولها وهو يعوي من ألم الجوع.

دیگر فرد پُرخوری باقی نخواهد ماند که در پُرخوری اش آسوده و شادمان باشد در حالیکه می بیند فقیر یا نیازمندی وجود دارد، پس از اینکه او و تمام جامعه ببینند که شخصی که جانشین خدا در زمینش است اموال خود را - که خمس اموال است- برای مصلحت عامه مردم و مخارج محتاجان انفاق می کند و اینگونه خلیفه خدا با انفاق اموال خمس اسوه ای خواهد بود با زهد خویش و دوری از زرق و برق دنیا علیرغم داشتن آن- که هر پُرخوری را یادآور می شود و باعث می شود که وی احساس کمبود، قصور و کوچکی کند در حالیکه وی در زرق و برق دنیا غرق شده است و در ناز و نعمت زندگی می کند. حال آنکه فقیر و محتاجی وجود دارد که از تنگدستی رنج می برد؛ و این برای اصلاح اقتصادی مردم بسیار مهم است تا جایگزینی برای پیشوای زشتی در جامعه انسانی باشد همان طور که امروز اینگونه است و همواره در دولت طاغوت چنین بوده است. اینکه ثروتمند و مرفه‌ی که بدون محدودیت و به هر شکلی بر جمع آوری اموال حرص می ورزد تا آمال و آرزوهای شخصی خود را محقق کند و در نتیجه جامعه به فقیران و ثروتمندان تقسیم شده است و متأسفانه مثل این جامعه به سان سگ‌هایی خواهد بود که بر سر مُرداری به جان هم افتاده‌اند در حالیکه قوی از آن پُرخوری می کند و ضعیف در حالی که از درد گرسنگی زوزه می کشد- اطراف آن دم می جنباند.

خليفة الله في أرضه كما انه مهم كقدوة دينية وأخلاقية واجتماعية أيضاً هو مهم جدا كقدوة اقتصادية يصلح الله بها أحوال الناس فعند إيمانهم به سيصلح حالهم اقتصادياً (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) الأعراف: 96. فهذه الآية لا تعني فقط المدد الإلهي الغيبي فحسب بل تعني ما قدمت من سبب طبيعي مادي لصلاح أحوال الناس الاقتصادية وهو خليفة الله في أرضه وتصرفه العادل والحكيم بخمس المال الذي هو ملك شخصي له وإعطاؤه مثلاً أعلى في الزهد والابتعاد عن الترف وتوفير حاجة المحتاجين.

خليفة خدا در زمینش، همان طور که به عنوان پیشوای دینی، اخلاقی و اجتماعی اهمیت دارد، به عنوان پیشوای اقتصادی که خداوند با او اوضاع مردم را اصلاح می کند نیز بسیار اهمیت دارد. پس هنگامیکه مردم به او ایمان آورند، وضع اقتصادی شان اصلاح خواهد شد. **(و اگر مردم شهرها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکاتی از آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم؛ ولی (فرستادگان) را تکذیب کردند، پس ما نیز به کیفر کردارشان مجازاتشان کردیم)؛ (۷).** مقصود از این آیه فقط امداد غیبی الهی نیست، بلکه آنچه را که به عنوان سبب طبیعی مادی برای اصلاح اوضاع اقتصادی مردم تقدیم کردم نیز شامل می شود؛ یعنی خلیفه و جانشین خدا در زمینش و تصرف و مصرف عادلانه و حکیمانه وی در خمس مالی که ملک شخصی اش است- و اعطای آن، بالاترین تمثیل در زهد و دوری از خوشگذرانی و بر آوردن نیاز محتاجان است.

هذا محور أساسي في الاقتصاد الإسلامي أو الإلهي وأحد أهم أسباب اختلافه عن أي اقتصاد وضعي آخر.

این نکته، محوری اساسی در اقتصاد اسلامی یا الهی و یکی از مهم ترین اسباب تفاوت آن با هر اقتصاد پایه گذاری شده دیگر است.

الاقتصاد الإسلامي مرتکز علی خلیفة الله وبدونه لا يمكن أن يكون هناك شيء اسمه اقتصاد إسلامي أو إلهي يهدف لتحقيق العدالة بين الناس).

اقتصاد اسلامی متمرکز بر خلیفه خدا است و بدون او ممکن نیست چیزی به اسم اقتصاد اسلامی یا الهی - که هدفش محقق کردن عدالت بین مردم باشد- وجود داشته باشد.

هذا بعض ما بينه اختصاراً رُوحِي فداه، ولأنَّ الإمام من آل محمد يعرف - في بعض ما يعرف به - بالحلال والحرام، فعن الحارث بن المغيرة النصري: (قلت لأبي عبد الله ع: بأي شيء يُعرف الإمام القائم ع، قال ع: **بالسكينة والوقار**). قلت: وبأي شيء؟ قال: **تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)**. قلت: أيكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: **لا يكون إلا وصي وابن وصي**) غيبة النعماني: 129.

این بخشی از آنچه است که ایشان -جانم به فدایش- به اختصار بیان فرمودند و از آنجا که امام از آل محمد (علیهم السلام) با توجه به برخی از مواردی که شناختشان وجود دارد- با حلال و حرام شناخته میشود- چرا که از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبدالله ع عرض کردم: صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود؟ حضرت فرمود: (با سکینه و وقار). عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: (او را با حلال و حرام می شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) خدا نزد او می باشد). گفتم: آیا او وصی فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی می باشد)^(۸)

فعلى ضوء هذا النهج الإلهي الذي أوضحه آل محمد (عليهم السلام) في التعرف على الإمام القائم أضع بين يدي أنصار الله - أنصار الإمام المهدي ع "رسالة في فقه الخمس وما يلحق به" تحوي أجوبة مهمة للسيد أحمد الحسن ع لما يكثر الابتلاء به من مسائل الخمس، وكانت مادتها كلها مأخوذة منه صلوات الله عليه، وكانت كالآتي:

-براساس نور این روش الهی در شناخت امام قائم ع که آل محمد (علیهم السلام) بیان فرموده اند رساله ای در فقه خمس و پیوست هایش تقدیم به انصار خدا -انصار امام مهدی ع- می نمایم که شامل پاسخ های مهمی از سید احمد الحسن ع به مسائل مبتلی به خمس است و محتوای آن، همه از وی صلوات الله علیه گرفته شده و از منابع زیر است:

۱- باب الخمس في كتاب شرائع الإسلام / للسيد أحمد الحسن ع.

۱- فصل خمس در کتاب شرایع الاسلام سید احمد الحسن ع.

۲- أجوبة مسائل كان قد بعثها الإخوة الأنصار وأجاب ع عليها، وقد دُونَ بعضها في كتاب الجواب المنير.

۲- مسایلی که برادران و خواهران انصار، فرستاده و ایشان ع پاسخ دادند که برخی از آنها در کتاب پاسخ‌های روشنگر مدون شده است.

ولما كانت صلة الإمام والأنفال عائد ملكيتها للإمام ع أيضاً لذا ألحقته بالخمس هنا.

و از آن جهت که ملکیت صلۀ امام و انفال نیز به امام ع برمیگردد، این موارد را نیز به خمس ضمیمه کرده‌ام.

سیدی أحمد الحسن .. إن حال بيننا وبينك المقدور، وتعاقبت الأيام بعد انتظارك سنين ودهوراً، فصرت شريداً طريداً، ولكن أبت رحمتك بنا نحن أهل الخطايا المقصرين في حقكم آل محمد، إلا أن تأخذ بأيدينا إلى صراط الله القويم وتبين لنا حلاله وحرامه، لتكتمل حلقة الطهارة بولايتكم التي أخذ الله سبحانه على الخلق ميثاقها.

سرورم احمد الحسن!... اگر آنچه مقدر گشته میان ما و شما جدایی انداخته است و بعد از این همه سالیان متوالی در انتظار شما بودن، روزها همچنان ادامه پیدا کرده‌اند و شما متواری و بی‌خانمان شده‌ای، اما ای پدرم! رحمت تو به حال ما مقصران و اهل خطا و اشتباه در حق شما آل محمد (علیهم السلام) آنچنان زیاد است که دستان ما را گرفته‌ای و به راه مستقیم خدا سوق می‌دهی و حلال و حرام او را برای ما بیان می‌فرمایی تا آن حلقه پاکی به ولایت شما - که خداوند سبحان میناقش را از خلق گرفته است - تکمیل گردد.

أضع بين يديك يا ابن رسول الله ما جمعت من شرع الله الذي أوضحته بأجوبة الأسئلة التي تواردت عليك، أجبته على الرغم من كل ما تمر به من قساوة الدهر وأهله، وكان شرعاً أريد له أن يغيب كتغيبكم أهل البيت ليملاً العلماء غير العاملين حياة الناس بأحكام لا تمت إلى دين الله وشرعه بصله أبداً. والله سبحانه أسأل وأرجو أن يمكّن لك في أرضه لإقامة دينه وحاكميته، والحمد لله رب العالمين.

علاء

ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)! آنچه را که از شرع خدا از پاسخ‌های سؤال‌هایی که بر شما وارد شده است و شما ببه‌رغم همه آن قساوتی که از روزگار و اهلش وارد می‌شود- به این سؤال‌ها پاسخ داده‌ای گردآوری کرده‌ام به شما تقدیم می‌کنم، در حالیکه اینطور خواسته شده بود که این شرایع (احکام) غایب باشد همانگونه که شما اهل بیت مجبور به غیبت بودید تا علمای بی‌عمل زندگی مردم را با احکامی که به هیچ روی ارتباطی با دین و شرع خدا ندارند مالا مال گردانند. از خداوند سبحان درخواست و تمنا دارم که شما را در زمین برای برپایی دینش و حاکمیتش تمکین دهد! والحمد لله رب العالمین.

علا

